



گزارش کمیته‌های مرکزی
دبیرخانه‌ی مقابله با

کودک آزاری

جمعیت امداد دانشجویی-مردمی امام علی (ع)



فهرست مطالب

۳	پیشگفتار
۴	فلسفه‌ی شکل‌گیری دبیرخانه‌ی کودک آزاری
۴	فعالیت‌های انجام‌شده در دبیرخانه‌ی کودک آزاری
۵	پرونده‌های سال ۱۴۰۰
۱۹	تحلیل فرم‌های ثبت‌شده
۳۴	تماس با ما
۳۴	آدرس پایگاه‌های اینترنتی رسمی
۳۴	اطلاعات تماس



به جان عزیزترین‌هایمان، به جان بچه‌ها قسمش
می‌دهم که ناامید نشود! اما خوب می‌دانم فقر، شبیه
ضحاک مار به دوش، دارد جان عزیزان‌مان را می‌بلعد...
جان می‌ستاند و از جان ستاندن؛ جان می‌گیرد!
قسمش می‌دهم که ناامید نشود و هم‌زمان، ترس و
هراس و دلهره در جانم رخنه می‌کند...

پیشگفتار

چهار سال گذشته است! چهار سال از آن شبی که لیلا،
هراسان و بی‌تاب، پشت گوشی تلفن اشک می‌ریخت و
ملتسمانه می‌گفت «اول خدا، بعد امام رضا، بعد هم تو...
بچه‌ها رو به تو سپردم. تو رو جون عزیزت حواست به
بچه‌ها باشه» گذشته است!

چهار سال از آن لحظه‌ای که بچه‌ها را به اجبار و با
تحکم از خانه بیرون کشیدیم و تحویل بهزیستی دادیم؛
گذشته است! چهار سال از آن لحظه‌ای که بعد از
مدت‌ها بی‌خبری، در شیرخوارگاه علی‌اصغر دست
بچه‌ها را در دست مادرشان -لیلا- گذاشتیم؛ از آن
لحظه‌ای که لیلا را در آغوش کشیدم و گفتم: «حالا من
بچه‌ها رو به تو سپردم؛ مواظبشون باش»؛ گذشته است.
چهار سال از آن روزها گذشته است و فقر شبیه ضحاک
مار به دوش، دارد جان عزیزان‌مان را می‌بلعد! جان
می‌ستاند و از جان ستاندن؛ جان می‌گیرد.

چهار سال از آن روزها گذشته است! لیلا تماس
می‌گیرد و با هزاران درد می‌گوید می‌خواهم بچه‌ها را
تحویل بهزیستی بدهم! دست‌هایم می‌لرزد.
می‌گوید «بچه‌ها پیش من آینده‌ای ندارن، توی
بهزیستی حداقل می‌تونن راحت غذا بخورن». روی پله
می‌نشینم! می‌گوید «می‌خوام بچه‌ها رو نجات بدم» و
تنم یخ می‌کند! بی‌تاب است. آشفته است. بی‌قرار
است. می‌خواهد فرزندانش را از چنگال ضحاک مار به
دوش نجات دهد! گیجم، مبهوتم، سردرگم؛ می‌خواهم
بچه‌ها یک‌بار دیگر طعم طرد را تجربه نکنند...



فلسفه ی شکل گیری دبیرخانه ی کودک آزاری

دبیرخانه ی مقابله با کودک آزاری تعهدی از سوی جمعیت امام علی (ع) است تا اطمینان دهد که تمامی تلاشش را برای حمایت از کودکان ساکن در محلات فقیرنشین در برابر آزار و غفلت به صورت یکپارچه، مؤثر و معطوف به نیازهای کودکان به کار می‌بندد.

جمعیت امام علی تمامی ظرفیت خود را به منظور پیشگیری، شناسایی، گزارش دهی و پیگیری حقوقی-مددکاری موارد کودک آزاری به کار می‌گیرد.

کودک آزاری یک مسأله ی اجتماعی است که نیازمند پاسخ سریع جامعه و همکاری یکپارچه ارگان های مسئول است.

اهداف دبیرخانه شامل موارد ذیل است:

حمایت از کودکان ساکن در محلات فقیرنشین	شناسایی و راستی آزمایی موارد کودک آزاری در سکونتگاه های فقیرنشین	ثبت تمامی شواهد مرتبط با ادعای کودک آزاری
پیگیری دقیق و اصولی روند مددکاری-حقوقی موارد ارجاعی پس از راستی آزمایی	فراهم کردن شرایط درمان و حمایت از کودک به منظور بهبود وضعیت جسمانی، روانی، احساسی کودک قربانی و خواهر و برادرانش	کمک به ارتقای همکاری نهادهای مسئول از طریق مطالبه گری

فعالیت های انجام شده در دبیرخانه ی کودک آزاری

برگزاری کارگاه های تخصصی در خصوص پیشگیری، مقابله با و پیگیری انواع کودک آزاری در محلات حاشیه	مکاتبات با مراجع مربوطه از جمله سازمان بهزیستی و قوه قضاییه	پیگیری مددکاری و حقوقی موارد کودک آزاری
تهیه کتاب پروتکل های اقدام در برابر کودک آزاری	تهیه کتاب نتایج سمینار کودک آزاری	



۱. تهران، خانه ایرانی لب خط شوش

پرونده‌ی سعیده^۱، کودک ۱۳ ساله‌ی فاقد اوراق هویتی، یکی از پرونده‌های خانه ایرانی لب خط شوش با نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز بوده‌است. سعیده در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۹۹ به خانه ایرانی لب خط شوش مراجعه و اظهار کرد که مادرش در کودکی به دلیل بیماری فوت شده و پدر معتادش او را ترک کرده‌است. او مدتی در منزل صاحب‌خانه زندگی و کار کرده، سپس در خیابان با عروس خانواده‌ای آشنا شده و به منزل آن‌ها رفته‌است. در آن جا به او گفته شده در صورت کار کردن اجازه دارد که در آن خانه بماند. سعیده چند سال در آن جا زندگی کرده و در خیابان به کار پاک‌کردن شیشه و تکدی‌گری پرداخته و در صورتی که پول مورد نظر مرد خانواده را تأمین نمی‌کرده، مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفته‌است. چند ماه پیش صاحب‌خانه به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. سعیده از منزل فرار می‌کند و سه شب را در منزل خانمی در همان محله‌ی لب خط می‌گذراند تا اینکه صاحب‌خانه او را پیدا می‌کند و برمی‌گرداند. متأسفانه همسر صاحب‌خانه که همسر چهارم او بوده و اندکی حامی سعیده بوده، فوت می‌کند. متعاقب با این اتفاق عروس و پسر خانواده تصمیم می‌گیرند که منزل مستقلی تهیه کنند و از آن جا بروند. سعیده از تنها بودن در منزل با آن مرد به شدت واهمه داشته و درخواست کمک کرده تا جایی برای زندگی او تهیه شود. ادعاهای سعیده مورد بررسی و شناسایی تیم مددکاری خانه علم لب خط شوش قرار گرفت و پس از صحت‌سنجی، سریعاً با اورژانس اجتماعی تماس گرفته شد. پس از ارجاع دادن به چند مرکز، سعیده به طور موقت در مرکز افسریه پذیرش شده‌است.

۲. تهران، محله فرحزاد، خانه علم فرحزاد

از دیگر پرونده‌ها با نتیجه‌ی موفقیت‌آمیز، پرونده‌ی آرزو، کودکی ۹ ساله بدون اوراق هویتی است که مدرکی دال بر نوع و تعداد دفعات مورد آزار قرار گرفتن او وجود ندارد. کودک در جلسات مشاوره‌ی خود به این موضوعات اشاره‌ای نکرده ولی به احتمال زیاد او را مجبور به فال‌فروشی یا فروش مواد کرده‌اند. احتمال آزار جنسی هم وجود دارد. از ابتدا بحث گرفتن شناسنامه برای آرزو پیگیری شد اما به دلیل عدم همکاری خانواده این امر صورت نگرفت. مادر آرزو شناسنامه نداشت که برای ایشان شناسنامه گرفتیم. وضعیت تحصیلی آرزو نامطلوب است. او دو سال پشت سر هم کلاس اول را رد شده‌است. در سال ۱۴۰۰ به دلیل تهدیدات مطرح‌شده کودک را بیشتر به مدرسه فرستادند ولی همچنان خیلی نامرتب در کلاس‌ها شرکت کرده‌است.

^۱ لازم به ذکر است که جهت رعایت اصول مددکاری اجتماعی، اسامی به صورت مستعار لحاظ شده‌است.



پدر حدوداً ۳ ماهه که به منزل نیامده که طبق گفته خانواده در زندان است اما بعضی می‌گویند که در دره فرحزاد حضور دارد و از آرزو برای فروش مواد استفاده می‌کند. مادر آرزو دچار بیماری شدید است و متأسفانه پای او به علت عفونت قطع شده‌است. مادر این اواخر تقریباً یک هفته در میان در بیمارستان بستری می‌شود. کودک اغلب در کوچه در حال بازی با پسرهای بزرگ‌تر از خودش است. تاکنون مادر خرج خانواده را می‌داد تا اینکه به علت بیماری شدید خانه‌نشین شده‌است. برادر ۲۷ ساله‌ی آرزو با وجود سالم بودن بیکار است. به صورت کلی از ۴ سال گذشته وضعیت آرزو پیگیری شده‌است اما بحث ارجاع به بهزیستی حدوداً از ۶ ماه پیش پیگیری شد. بهزیستی چندین بار مراجعه کرد ولی اقدامی صورت نمی‌گرفت. تا اینکه در اسفند ۱۴۰۰ به علت اینکه مادر یک هفته بیمارستان بود و آرزو با برادر خود تنها بود، بالاخره آرزو با حکم به بهزیستی منتقل شد.

۳. تهران، خانه ایرانی شهریار

یکی از پرونده‌های در دست اجرای خانه ایرانی شهریار تهران، پرونده‌ی خانواده‌ای از اتباع افغانستان است که حدوداً ۷ سال قبل به ایران مهاجرت کردند. در حال حاضر ۵ فرزند (۳ پسر و ۲ دختر) دارند و مادر مجدداً باردار است. فرزندان از ۳ تا ۱۶ ساله هستند. پدر خانواده بیکار و مادر خانه‌دار است. منزل آنها استیجاری و در محله‌ی ملارد سرآسیاب قرار دارد. به علت نیازهای تغذیه‌ای و آموزشی فرزندان و مریضی شدید فرزند کوچک، جمعیت امام علی از این خانواده حمایت می‌کند.

پدر خانواده بسیار دست بزن دارد، بداخلاق است و همسر و فرزندان را به شیوه‌ی بدی و به دفعات کتک می‌زند. وی اعتیاد ندارد.

با توجه به باردار بودن مادر خانواده، وضعیت خشونت خانگی مذکور بسیار خطرناک است. تماس‌های مکرری از جانب مادر خانواده گرفته و نیاز به کمک اعلام می‌شود. با این حال حاضر به شکایت از پدر و یا ترک منزل نیستند.

همه‌ی اعضای خانواده سوءتغذیه دارند و طبق نظر بهداشت منطقه، در وضعیت بدی از نظر رشدی قرار گرفته‌اند.

پدر اجازه رفت و آمد با خانواده‌ی همسر را نمی‌دهد، اما همسر را تهدید می‌کند که به افغانستان برگردد. صحبت و ارتباط مستمر با مادر، پیگیری نیازهای درمانی خانواده، پیگیری نیازهای تحصیلی فرزندان و صحبت حضوری با پدر، اهم اقدامات انجام‌شده توسط جمعیت از تاریخ شروع پیگیری (۵ اسفند ۱۴۰۰) هستند.



۴. تهران، خانه ایرانی شهریار

یکی از دختران ۱۶ ساله تحت پوشش خانه ایرانی منطقه شهریار جمعیت امام علی (ع)، به نام پریا مدت مدیدی است که توسط برادرش مورد آزار شدید جسمانی قرار می‌گیرد. برادر وی که به مواد مخدر شیشه اعتیاد شدید دارد، علاوه بر آزار پریا، خواهر بزرگش زهرا (۲۸ ساله) را نیز مورد آزار شدید قرار می‌دهد. اتفاقی که برای پریا و زهرا افتاده، مربوط به روز جمعه مورخ ۱۳ تیر ماه ۹۹ است. برادر ایشان به بهانه خروج از خانه بدون اطلاع، زهرا را به شدیدترین شکل ممکن مورد ضرب و شتم قرار داده و موهای وی را کنده است. همچنین با استفاده از چاقو آنها را تهدید به کشتن می‌کند. با توجه به اینکه تهدیدهای برادر به صورت مداوم صورت می‌گیرد، شرایط این دو خواهر در وضعیت بحرانی قرار دارد. لازم به ذکر است که پریا در بهزیستی پرونده دارد و مدتی در آنجا زندگی کرده‌است. سال گذشته به علت آزار و اذیت شدید برادر و حضور مادر معناد آنها که خانه را پاتوقی برای معتادان کرده بود، توسط خیرین جمعیت امام علی برای این دو خواهر خانه‌ای مستقل تهیه شده بود که با جابجایی اخیر این دو خواهر و نزدیک شدن به خانه‌ی برادر، اختلافات آنها اوج گرفته و جانشان در خطر است. طبق گزارش شاهدین ماجرای ذکر شده روز جمعه ۳۰ تیر، پلیس ۱۱۰ و اورژانس اجتماعی منطقه همکاری لازم را نداشتند و در محل حضور پیدا نکردند. در تاریخ مذکور ساعت ۱۱ شب زهرا با مددکار جمعیت امام علی (ع) تماس گرفت که دوباره برادرش به خانه آنها رفته و او را مورد ضرب و شتم قرار داده، موهای او را از ته جدا کرده و پریا را به زور با خودش برده‌است. با وجود پیگیری‌ها، پلیس و اورژانس اجتماعی هیچ‌کدام در محل حضور پیدا نکردند. پس از پیگیری‌ها مجدداً برادر آنها به خانه برگشته و پریا را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده و بازگردانده بود.

تماس با بهزیستی، تماس با اورژانس اجتماعی و تماس و دیدار حضوری مجدد با پدر از دیگر اقدامات لازمی هستند که متعاقباً پیگیری می‌شود.

۵. تهران، خانه ایرانی شهرری (نفرآباد)

یکی دیگر از دیگر پرونده‌های در جریان، مربوط به دختر بچه‌ای ۶ ساله ساکن محله‌ی نفرآباد است. مادر کودک، زنی ۲۲ ساله است که به گفته‌ی وی، پدر کودک اعتیاد داشته و از او جدا شده‌است. مادر ساعت‌های طولانی کودک را در خانه تنها می‌گذارد. کودک بارها مورد ضرب و شتم توسط مادر قرار گرفته و آثار آزار جسمی در صورت و بدن کودک مشهود است. کتک‌کاری به‌نحوی بوده که چندین بار منجر به مداخله‌ی همسایه‌ها شده‌است. در اکثر نقاشی‌های کودک آلت جنسی مردانه مصور شده‌است.



در تاریخ ۲۱ دی ماه ۱۴۰۰، تماسی توسط جمعیت امام علی به صورت ناشناس و با عنوان همسایه، با اورژانس اجتماعی گرفته شد. متأسفانه مراجعه‌ی اورژانس در زمان حضور جمعیت در محل نبوده و برخورد با صاحبخانه به صورتی بوده که وی ترسیده و از بیان واقعیت خودداری کرده‌است. بار دوم یکی از همسایه‌ها تماس گرفته و پس از مراجعه‌ی اورژانس صاحبخانه امضا کرده که تمام گفته‌ها دروغ است. بنابراین اقدامی توسط اورژانس اجتماعی صورت نگرفته و خانواده عصر همان روز محله را ترک نمودند.

۶. تهران، ورامین (محله قشلاق جیتو)، مرکز قرچک

پرونده‌ی بعدی مربوط به محمد کودک ۱۲ ساله، ساکن ورامین تهران است. پدر محمد به دلیل مصرف مواد مخدر باعث شده که به مدت یک هفته، همسر و دو فرزند او (محمد ۱۲ ساله و خواهر ۱۴ ساله‌ی وی) در پارک به سر ببرند. به دنبال طرح شکایت از پدر، وی از خانه متواری شده و پس از آن مادر به منزل برگشته است. مادر خانواده در تاریخ شروع پیگیری جمعیت یعنی ۲ دی ۱۴۰۰، ۹ ماهه باردار بوده است. منزل ایشان رهن جمعیت امام علی است.

متأسفانه محمد یک بار توسط یکی از افراد محله مورد آزار قرار گرفته و صدمه دیده‌است.

در ساعت یازده ۹ دی ماه ۱۴۰۰ بازدید محله قرچک توسط مأمور آگاهی، محمد و مادرش، مددکار محمد و وکیل جمعیت انجام شد. مادر محمد به دلیل داشتن درد زایمان به سرعت به بیمارستان منتقل شدند و فرزند ایشان به دنیا آمد. پس از انجام بازدید از محله، خانمی از هم‌شهری‌های خانواده‌ی محمد به عنوان شاهد پرونده به کلانتری رفتند و اظهارات خود را ثبت کردند. در ادامه پرونده تکمیل و به دادسرا فرستاده شد.

جمعیت امام علی برای جبران آسیب وارده به کودک، علاوه بر ثبت شکایت و پیگیری حقوقی آزارگر، محمد را تحت روان‌درمانی با روان‌شناس قرار داد. در جلسات روان‌درمانی، درخواست ارائه‌ی آموزش‌های آمادگی دفاعی به محمد توسط روان‌شناس وی صورت گرفت. در نتیجه برگزاری کلاس‌های رزمی و آمادگی جسمانی برای محمد از اقدامات لازمی است که متعاقباً پیگیری می‌شود.

پرداخت هزینه ماهانه معیشتی، هزینه درمان مادر باردار و هزینه بستری در بیمارستان شهید ستاری و بیمارستان مهدیه تهران، از دیگر اقدامات صورت گرفته است.

۷. تهران، محله خاک سفید، خانه علم خاک سفید

پرونده‌ی بعدی در ارتباط با دخترچه‌ای ۸ ساله دارای اعتیاد است. در زمان شروع پیگیری (۱ شهریور ۱۴۰۰) به دلیل خرابی‌های زیاد دندان، کودک به خانه درمان جمعیت امام علی برده شد. دندان‌پزشک تأکید کردند



که خرابی‌های دندان کودک عادی نیست و حتما از کودک تست اعتیاد گرفته شود. متأسفانه تست اعتیاد مورفین، مثبت اعلام شد و علت خرابی‌های بیش از اندازه دندان‌ها هم مصرف مواد مخدر (تریاک) به صورت مستقیم و غیرمستقیم است.

انجام آزمایش اعتیاد و درخواست به بهزیستی، اهم اقدامات انجام شده در ارتباط با این پرونده هستند. عدم همکاری و عدم صداقت خانواده و نگرانی اصلی در ارتباط با آسیب روحی خود کودک (در صورت اطلاع از ماجرا)، عمده‌ترین موانع پیش رو هستند.

۸. تهران، محله خاکسفید

سه کودک ۳، ۸ و ۹ ساله در محله‌ی خاکسفید، با مادر، مادر بزرگ و دایی خود (۱۵ ساله) زندگی می‌کنند. مادر و دایی آن‌ها اعتیاد دارند و مادر حین بارداری کودک آخر نیز مصرف داشته است. منزل آن‌ها پاتوق مصرف مواد مخدر است. هر نوع رفت و آمدی به آن‌جا صورت می‌گیرد و بنابراین احتمال تجاوز و هر اتفاق دیگری وجود دارد. از پدر آن‌ها اطلاعاتی وجود ندارد. این کودکان که فاقد اوراق هویتی هستند، از آذر ۱۳۹۸ تحت پیگیری خانه علم خاکسفید قرار گرفتند. مادر، مادر بزرگ و دایی کودکان برای مدتی به دلیل حمل هرویین به زندان رفتند. در این مدت کودکان در منزل اقوام خود زندگی می‌کردند. پس از آزاد شدن خانواده، کودکان مجدداً به خانه‌ی قبلی بازگشتند. جمعیت امام علی پس از شروع به پیگیری از بهزیستی و انجام اقدامات مددکاری و برگزاری کلاس در خانه علم برای کودکان، اقدام به پیگیری حقوقی پرونده جهت فرستادن بچه‌ها به بهزیستی کرد. دستور بازپرس پرونده، مبنی بر تحویل گرفتن مددجویان از مادرشان و سپردن آن‌ها به بهزیستی بوده است. هنگام مراجعه به منزل مددجویان جهت تحویل‌گیری آن‌ها، مددکاران بهزیستی و نیروهای پلیس با مقاومت خانواده (مادر، مادر بزرگ و دایی کودکان) مواجه شده‌اند. با توجه به دستور بازپرس پرونده، مبنی بر لزوم استفاده از قوای قهریه و نیز رفع موانع فیزیکی جهت تحویل‌گیری کودکان در صورت تمرد خانواده، دایی کودکان و مادر بزرگ آن‌ها در درگیری با مأموران نیروی انتظامی دچار جراحت شده‌اند. در نهایت، مأموران موفق به تحویل‌گیری دو نفر از کودکان شده‌اند ولی فرزند بزرگ‌تر به دلیل نبودن در منزل، تحویل گرفته نشده است. مادر همراه کودکان خود به پزشکی قانونی رفته و متأسفانه در آن‌جا موفق به فراری دادن آن‌ها می‌شود.

در نهایت، پیگیری از بهزیستی درباره‌ی علت رخ دادن این حادثه صورت گرفت.



۹. تهران، محله خاک سفید

آیدا، متولد ۱۳۹۱، در خانه‌ای واقع در محله خاک سفید تهران زندگی می‌کند. فاطمه (مادر آیدا) منزل را ترک کرده و به صورت شرعی و قانونی از پدر آیدا جدا نشده است. فاطمه به جرم موادفروشی در زندان به سر می‌برد و نیز به شیشه اعتیاد دارد. اعتیاد فاطمه به مواد مخدر تا حدی است که دچار توهمات خطرناکی می‌شود و این امر موجب ایجاد فضایی ناامن برای کودکان می‌شود. فاطمه اخیرا با مردی در ارتباط بوده که از وی یک پسر (سجاد) نیز دارد. پدر آیدا دوباره ازدواج کرده و به همراه برادر آیدا در یزد زندگی می‌کند. آیدا در خانه مادر بزرگش (زهرا- مادر فاطمه) به همراه دایی خود (رضا) زندگی می‌کند. رضا به جرم مواد زندانی شد که البته اکنون به قید وثیقه آزاد است. وی به خرید و فروش پایپ و گاهی مواد می‌پردازد. هم‌چنین، با توجه به این که اغلب اوقات خارج از خانه است، در خانه حضور ندارد و نمی‌تواند نظارتی بر آیدا داشته باشد. مادر بزرگ و دایی هر دو به خرید و فروش مواد و پایپ می‌پرداختند. حدودا دو ماه است که مادر بزرگ به دلیل دیابت و عدم رسیدگی (به دلیل اعتیاد فرزندان) فوت شده است. تا پیش از فوت مادر بزرگ آیدا، وی با توجه به بیماری‌اش توانایی حرکت نداشت. از این رو گاهی از آیدا برای فروش پایپ در خانه استفاده می‌کرد. مراقبت از آیدا توسط مادر بزرگش نیز با توجه به شرایط جسمانی ممکن نبوده است. منزل مادر بزرگ محلی برای رفت و آمد افراد ناشناس و به خصوص معتادان می‌باشد. با هر بار مراجعه مددکاران جمعیت به منزل آنها متوجه دزدیده شدن تدریجی وسایل خانه توسط مشتریان مواد شدند. این دزدی‌ها در زمانی اتفاق می‌افتد که مادر بزرگ، آیدا و دنیا (نوه‌های او) در خانه تنها هستند و توانایی مراقبت از منزل را ندارند. زیرزمین خانه مادر بزرگ که پیش‌تر محل زندگی فاطمه بود، هر از گاهی به دلیل مشکلات مالی، به معتادان و افراد دیگر برای زندگی یا مصرف اجاره داده می‌شود.

لازم به ذکر است تحصیل آیدا توسط خانواده پیگیری نشده بود و با تلاش‌های مددکاران جمعیت امام علی این کودک در مدرسه ثبت نام شد. هم‌چنین، آیدا بدون توجه و مراقبت افراد خانه، به منزل کناری که محل زندگی دایی او (علی) می‌باشد رفت و آمد دارد. خانه‌ی دایی نیز پاتوق خرید و فروش و مصرف مواد مخدر است. دنیا، متولد ۱۳۹۵/۰۹/۲۴، فرزند علی (برادر فاطمه) است. علی و همسرش (زینب) هر دو به مواد مخدر بالاصح شیشه و هرویین اعتیاد شدید دارند. زینب تاکنون ۷ فرزند به دنیا آورده است. مریم فرزند اول او با پدر خود (همسر اول زینب) در قرچک ورامین زندگی می‌کند. سه فرزند دیگر زینب با گزارش‌های مددکاران جمعیت امام علی به بهزیستی ارجاع داده شده‌اند. فرزند پنجم زینب، در دو سالگی به دلیل غفلت والدین و تزریق داروی اشتباه توسط زینب فوت شد. اکنون فرزند آخر زینب، دنیا، با او زندگی می‌کند.



خانه‌ای که دنیا در آن سکونت دارد، پاتوق خرید و فروش و نیز مصرف موادمخدر می‌باشد. دنیا به دلیل رفت‌وآمد متعدد افراد غریبه به خانه دارای امنیت جسمی و روانی نمی‌باشد.

لازم به ذکر است توهّمات پدر و مادر دنیا گاهی آن‌قدر خطرناک است که مددکاران جمعیت سعی دارند تا این کودک زمان بیشتری را در خانه ایرانی به‌سر ببرد. طبق گزارشات مددکاران جمعیت امام علی، دنیا بدون نظارت والدین اغلب در پارک نزدیک منزل که مکان تجمع بسیاری از معتادان و موادفروشان محله می‌باشد، حضور دارد.

وضعیت بهداشتی دنیا کاملاً بغرنج بوده و وی بارها دچار بیماری‌های پوست و مو نظیر شپش شده است. عدم نظارت والدین بر دنیا، نه تنها باعث ایجاد فضای ناامن جسمانی شده است بلکه خطر امنیت روانی را هم برای وی ایجاد کرده است. از آنجایی که دنیا در خانه به دنیا آمده است، تاکنون برای اخذ شناسنامه وی اقدامی از جانب خانواده صورت نگرفته است. هم‌چنین، دنیا بدون توجه و مراقبت والدین، به منزل کناری که محل زندگی مادربزرگش (زهرا) می‌باشد رفت و آمد دارد. خانه‌ی مادربزرگ نیز پاتوق خریدوفروش و مصرف موادمخدر است که به دلیل ناتوانی جسمی مادربزرگ گاهی برای فروش پایپ از دنیا نیز استفاده می‌شود.

روند پیگیری‌های ارجاع به بهزیستی (برای آیدا و دنیا):

در مدت دو سال گذشته طی تماس‌های مکرر با اورژانس اجتماعی، وضعیت این کودکان توسط مددکاران جمعیت گزارش شد. متأسفانه به دلیل تعلل‌ها و رفتارهای غیرحرفه‌ای مسئولین اورژانس اجتماعی، علی‌رغم پیگیری‌های زیاد مددکاران جمعیت، آیدا و دنیا به بهزیستی ارجاع نشدند. تنها اقدام صورت‌گرفته توسط اورژانس اجتماعی دریافت حکم ارجاع برای آیدا بود که با گرفتن تعهد از مادرش به دستور قاضی پرونده، آیدا به خانواده بازگردانده شد. این در صورتی است که برای دنیا هیچ حکمی اتخاذ نشد.

پس از آن طی یک‌سال، مددکاران جمعیت امام علی تلاش کردند ارتباط خود را با خانواده حفظ کنند تا از سلامت بچه‌ها باخبر شوند. در این مدت فاطمه (مادر آیدا) به همراه فرزند دیگر خود (سجاد) و برادر خود (رضا) در زندان به‌سر می‌بردند. مادربزرگ (زهرا) نیز به دلیل بیماری خود توان مراقبت از بچه‌ها را نداشت. زینب و علی نیز هم‌چنان شرایط گذشته را داشتند.

حدود تیرماه ۱۴۰۰، یکی از کارشناسان اورژانس اجتماعی برای بازدید به خانه‌ی آیدا آمد. با توجه به شرایط زندگی آیدا متأسفانه هیچ اقدامی برای ارجاع وی صورت نگرفت. این در حالی است که شرایط زندگی آیدا وخیم‌تر از پیش بود. مادر هم‌چنان در زندان بود و حضور نداشت، بیماری مادربزرگ شدت بیشتری گرفته بود و آیدا مجبور به راه‌اندازی مشتریان پایپ بود، رضا (دایی) ساعات طولانی در منزل نبود و وسایل خانه به تدریج



به علت رفت و آمد معتادان محل دزدیده می‌شد. لازم به ذکر است کارشناس مذکور به گفته‌ی خودشان، در همان زمان، هیچ‌گونه بازدیدی از منزل دنیا نداشت.

با پیگیری‌های دوباره مددکاران جمعیت، نامه‌ای در تاریخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ به دفتر آقای علی‌گو، سرپرست محترم مرکز فوریت‌های اجتماعی، ارسال شد تا دوباره پرونده‌ی این دو کودک به جریان بیفتد. در راستای این اقدام به دستور آقای علی‌گو، ادامه روند را با آقای یوسفزاده، ریاست اورژانس اجتماعی استان تهران، پیش گرفتیم. دوباره به دستور آقای یوسفزاده با خانم سبحانی از کارشناسان مرکز اورژانس در تماس بودیم تا با توجه به موارد پیش آمده در گذشته، این‌بار کارشناسان اورژانس با همکاری مددکاران جمعیت امام علی، پرونده را پیگیری کنند.

در روز ۱۴۰۰/۰۸/۱۳ کارشناسان اورژانس اجتماعی به بازدید از منزل آیدا و دنیا پرداختند و این در زمانی بود که این دو کودک برای استحمام در خانه ایرانی خاک سفید به سر می‌بردند. کارشناس اورژانس به خانه ایرانی آمد و با توجه به این که فقط آیدا را دیده بود و دنیا رؤیت نشده بود (چرا که دنیا در حال استحمام بود!)، برای پیگیری حکم از قاضی، اسمی از دنیا برده نشده بود. واضح است تمامی این رفتارها کاملاً غیرحرفه‌ای می‌باشد. در روز ۱۴۰۰/۰۸/۱۸ مأمورین اورژانس اجتماعی، به خانه آیدا آمدند و او را به همراه مادرش به دادسرا بردند. متأسفانه برای دنیا هیچ اقدام قضایی از سمت اورژانس انجام نشده بود. پس از ۲ الی ۳ ساعت، فاطمه (مادر آیدا) با دادن تعهد، آیدا را به خانه آورد. پس از آن به گفته‌ی خانواده و اورژانس اجتماعی، به دلیل پیگیری‌های هر روزه و مکرر مددکاران جمعیت امام علی، تقریباً ۲ الی ۳ بار دیگر مددکاران اورژانس اجتماعی به بازدید از خانه‌ی آیدا و دنیا پرداختند، که در هر بار خانواده سعی بر مخفی کردن بچه‌ها داشت. همین موضوع منجر به این شده بود تا خانواده حساس شود و ارتباط خود با خانه ایرانی خاک سفید را قطع کند. این مورد نیز مصداقی بر رفتار غیرحرفه‌ای مددکاران اورژانس می‌باشد چرا که تمامی توضیحات لازم به صورت کتبی و شفاهی با تمام جزئیات به مددکاران اورژانس داده شده بود و عملاً نیازی به بازدیدهای مکرر نبود. از طرفی با اندکی مشاهده در محل، متوجه پاتوق بودن منزل دنیا و آیدا می‌شدند و این خود گواهی بر شرایط زیستی ناسالم کودکان بود. هم‌چنین همین بازدید مکرر باعث اضطراب و احساس ناامنی زیاد در آیدا شده بود.

پس از پیگیری‌های بسیار زیاد مددکاران جمعیت امام علی، در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۸ مددکاران اورژانس اجتماعی با اتخاذ حکمی از سمت قاضی پرونده صرفاً برای ارجاع آیدا اقدام کردند که متأسفانه موفق نشدند. حین گرفتن آیدا با مادرش روبه‌رو می‌شوند و مجبور می‌شوند تا آیدا را با مادرش نزد قاضی ببرند. در همین راستا قاضی با گرفتن تعهدی دیگر آیدا را به مادرش برمی‌گرداند. این در صورتی است که مادرش قبلاً هم تعهد داده بود.



پس از پیگیری‌های دوباره، در تاریخ ۱۶/۰۹/۱۴۰۰ مددکاران اورژانس اجتماعی طی حکمی دیگر، همراه با مأمور کلانتری برای اجرای حکم به منزل آیدا و دنیا آمدند اما این بار هم متأسفانه قادر به گرفتن بچه‌ها نبودند. بنا به گفته‌ی خودشان مأمور کلانتری همکاری لازم را انجام نداد و توانایی مقابله با خانواده را نداشته است؛ به همین دلیل مددکار جمعیت امام علی سعی می‌کند با بیرون آوردن بچه‌ها آنها را تحویل مددکاران اورژانس بدهد که متأسفانه این بار هم با رفتارهای غیرحرفه‌ای مددکاران مواجه می‌شود و آنها نمی‌توانند بچه‌ها را به بهزیستی ببرند.

با توجه به تمامی اتفاقات مذکور، فاطمه (مادر آیدا) در تلاش است تا آیدا و دنیا را از خانه ایرانی مخفی کند تا بدین ترتیب مأمورین اورژانس به کودکان دسترسی نداشته باشند.

پس از آخرین اجرای حکم، پرونده‌ی این دو کودک به دادستانی فرستاده شد و تاکنون اقدامی برای ساماندهی آنها انجام نشده است. متأسفانه طبق آخرین گزارش اورژانس اجتماعی، یکی از دلایل مهم و عمده نیز عدم همکاری مأمورین انتظامی است. لازم به ذکر است که پرونده هم‌چنان نزد اورژانس اجتماعی در جریان است.

۱۰. تهران، محله خاک سفید

بهاره ۵ سال دارد و پدر و مادرش هر دو به مواد مخدر (شیشه) معتاد هستند. مادر بهاره، همسر دوم پدرش است. همسر اول وی به دلیل استعمال بیش از اندازه مواد مخدر فوت کرده است. وی از همسر اول، یک دختر ۱۷ ساله و یک پسر ۲۰ ساله دارد که هر دو فرزند به دلیل اعتیاد پدر و نامادری، شرایط نامساعد خانه و پاتوق استعمال مواد مخدر بودن محل زندگی، متأسفانه ترک تحصیل کرده‌اند. این خانواده از راه فروش مواد مخدر معاش زندگی خود را می‌گذرانند و محل سکونتشان اصطلاحاً پاتوق استعمال انواع مواد مخدر است؛ به همین دلیل دختر ۱۷ ساله‌ی خانواده، از زندگی با آنها امتناع کرده و مدتی است که در شمال کشور در کنار مادر بزرگ و دایی خود زندگی می‌کند.

بهاره فاقد شناسنامه و مدارک هویتی است. در پیگیری‌هایی که مددکاران جمعیت امام علی داشتند، مشاهده شد که کودک با کمترین امکانات، در مغازه‌ای که به خانه تبدیل شده زندگی می‌کند، از نظر لباس پوشش کافی ندارد و این جان کودک را در خانه‌ای که پاتوق مواد مخدر است و معتادان در آن رفت و آمد دارند، به خطر می‌اندازد. به دلیل نبود امکانات بهداشتی در خانه (حمام و سرویس بهداشتی) کودک همواره درگیر مشکلات بهداشتی بوده و متأسفانه به شپش سر مبتلا شده بود. به دلیل حالت تهوع‌های پی در پی و ضعف جسمانی کودک گمان بردیم که ممکن است کودک هم اعتیاد پیدا کرده باشد که متأسفانه بعد از انجام تست اعتیاد، متانتامین (ماده مخدر شیشه) مثبت اعلام شد.



چالش‌های بهزیستی:

به دلیل شرایط وخیم بهاره، اولین بار سال ۱۳۹۹ گزارش کودک‌آزاری وی توسط مددکاران جمعیت امام علی به بهزیستی داده شد. پس از پیگیری‌های متعدد و نامه‌نگاری‌های انجام شده با آقای علی‌گو، مأموران بهزیستی به خانه کودک مراجعه کردند؛ ولی پدر، کودک را از بلاپشت بام خانه فراری داد و مأموران موفق به گرفتن کودک نشدند. از آن پس ارتباط خانواده با خانه علم قطع شد؛ زیرا حدس می‌زدند که جمعیت امام علی بهزیستی را از این امر مطلع کرده باشد. سال ۱۴۰۰ دوباره توانستیم خانواده را متقاعد کنیم که کودک را برای کلاس‌های مهد به خانه علم بفرستند و ارتباط خود را با این خانواده از سر گرفتیم. دوباره روند بهزیستی را پیش گرفتیم ولی به دلیل عدم همکاری بهزیستی و کوتاهی این سازمان، وکیلان جمعیت امام علی دادخواستی مبنی بر شرح حالی از کودک و عدم همکاری بهزیستی با جمعیت امام علی تنظیم کرده و به شورای حل اختلاف منطقه ۴ فرستادند. بازپرس پرونده پس از مشاهده‌ی دادخواست، با این سازمان مردم نهاد نهایت همکاری را کرده و حکم گرفتن کودک را صادر کردند. پس از صدور حکم، مأموران بهزیستی بار دیگر به خانه کودک مراجعه کردند ولی خانواده تهران نبودند. با اینکه به مأموران تأکید شده بود که اسمی از جمعیت امام علی و خانه علم محل نبرند، ولی متأسفانه آنها سهل‌انگاری کرده و خانواده بار دیگر متوجه شدند که بهزیستی از سوی جمعیت امام علی به خانه‌شان مراجعه می‌کند. مدتی تماس‌های تلفنی را جواب نمی‌دادند و در محله‌هایی که زندگی می‌کردند نیز اثری از بهاره و پدر و مادرش نبود. در این زمان به مدت ۲ هفته به صورت شبانه‌روز در جلوی خانه کودک، با کمک اعضای جمعیت امام علی کشیک می‌دادیم تا بلکه اثری از این کودک پیدا کنیم؛ کاری که گمان می‌کردیم وظیفه مأموران بهزیستی باشد. ولی متأسفانه هر بار با سهل‌انگاری‌ها و کم‌کاری‌های مأموران بهزیستی مواجه شدیم.

هم‌اکنون می‌دانیم بهاره به همراه پدر و مادر در خاک سفید زندگی می‌کند (بر اساس مشاهدات دیگر کودکان خانه علم). ولی همچنان آدرس دقیق محل زندگی او را پیدا نکرده‌ایم و خانواده به تماس‌های تلفنی نیز پاسخ نمی‌دهد.

۱۱. البرز، محله ملک‌آباد، خانه علم ملک‌آباد

پرونده‌ی دیگر در ارتباط با نوجوانی ۱۶ ساله به نام نگار، ساکن محله‌ی ملک‌آباد استان البرز است. نگار تحت انواع کودک‌آزاری منجمله کودک‌آزاری از نوع غفلت، اصرار به ازدواج کودک و کودک‌آزاری جسمی قرار گرفته است. خانه علم ملک‌آباد از تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۰ پیگیری وضعیت نگار را شروع کرده‌است.



در دعوایی بین نگار و مادرش بر سر اینکه نامزد نگار اعلام می‌کند که او را رها کرده و دیگر باز نمی‌گردد، مادر ناگهان قمه‌ای از زیر فرش برمی‌دارد و به سمت صورت نگار حمله می‌کند. نگار دست خود را حایل سر و صورت می‌کند و دستش به صورت عمیقی هم از عرض و هم طول بریده می‌شود. خانواده پس از این اتفاق نگار را به بیمارستان منتقل می‌کنند.

رصد داریم درمان کودک و حمایت‌های روحی از وی مهم‌ترین اقدامات جمعیت در ارتباط با این پرونده بوده‌است.

۱۲. شیراز، محله سعدی، خانه ایرانی سعدی

شروع پیگیری وضعیت رضا، کودک ۱۱ ساله ساکن محله‌ی سعدی شیراز، از سال ۱۳۹۷ بوده‌است. نیلوفر، مادر رضا، سال‌هاست که از همسر افغانش یعنی پدر رضا جدا شده و با رضا زندگی می‌کند. پدر رضا وقتی متوجه می‌شود که نیلوفر حامله است، او را ترک می‌کند. مادر بی‌کار است و وضعیت روحی آشفته‌ای دارد. بنا به گفته‌ی رضا به مشاورش، مادرش با مردهایی در ارتباط است که در حضور رضا به خانه‌ی آن‌ها رفت و آمد دارند و عموماً معتاد هستند. آن‌ها با رضا و مادرش رفتار خوبی ندارند و هر دوی آن‌ها را کتک می‌زنند. مادر جلوی رضا با آن‌ها ارتباط جنسی دارد که این مسأله به لحاظ روانی فشار زیادی را به کودک وارد می‌کند. مادر به طور کلی هم رفتار خوبی با رضا ندارد.

رضا تا قبل از پیگیری جمعیت به دلیل رسمی نبودن ازدواج پدر و مادرش شناسنامه نداشت. با پیگیری‌های جمعیت شناسنامه به نام مادر گرفته می‌شود. در این مدت دایی رضا هر از گاهی به آن‌ها پول میداده و خود نیلوفر هم از خیریه‌ها و جاهای دیگر پول می‌گرفته است.

اهم اقدامات انجام شده: رضا تا قبل از هشت سالگی مدرسه نرفته بود و شناسنامه نداشت. جمعیت با شروع شناسایی اقدام به گرفتن شناسنامه و فرستادنش به مدرسه کرد. گرفتن مشاور دائم برای رضا و سرگرم کردنش با کلاس‌های ورزشی از جمله کاراته و والیبال و همچنین کلاس‌های درسی و زبان جمعیت، دیگر اقدامات صورت گرفته هستند.

همکاری نکردن مادر با مشاور و سرزنش کردن مدام رضا و تحقیر او، موانع اصلی عدم تأثیر راهکارهای مشاور در ارتباط با کودک هستند. به‌علاوه، رفت و آمد غریبه‌ها به منزل آن‌ها اثر بسیار بدی بر روند درمان کودک می‌گذارد.

سال ۱۳۹۹ رضا به بهزیستی فرستاده شد ولی با اخذ تعهد از مادر به خانه برگردانده شد. طبق گفته‌ی رضا به مشاورش ترجیح خود کودک، بازگشتن به بهزیستی است.



۱۳. مشهد

حسین فاقد اوراق هویتی است. محل زندگی خانواده شرایط بهداشتی مناسب ندارد و محل تجمع زباله است. مادر او مواد مصرف می‌کند و پدر در حال حاضر در کمپ به سر می‌برد. به گفته‌ی مادر، حسین نیز توسط پدر درگیر اعتیاد شده‌است ولی در حال حاضر توسط مادر به مواد مخدر صنعتی روی آورده است. نوع مصرف وی بستگی به موادی دارد که در دسترس او قرار می‌گیرد (از قبیل شیشه).
فرزند دیگر این خانواده به نام زهرا ۳ سال سن دارد. مادر به او دود می‌دهد و برای گدایی نیز او را همراه خود می‌برد. کودک به شدت لاغر و در معرض آسیب است.

۱۴. کرمان

جمعیت امام علی (ع) بیش از ۱ سال است که پیگیر وضعیت مددکاری خانواده‌ای در کرمان است. این خانواده دارای پنج فرزند ۱۳ ساله، ۱۱ ساله، ۸ ساله، ۴ ساله و یک و نیم ساله است. مادر خانواده ایرانی و ۳۷ سال سن دارد. پدر، افغان و بدون اوراق هویتی است. به گفته‌ی مادر، پدر خانواده به جرم فروش مواد مخدر و سرقت از چند ماه پیش در زندان است. مادر خانواده اعتیاد شدید به شیشه دارد؛ به گونه‌ای که کودکان در وضعیت بسیار مخاطره‌آمیزی به سر می‌برند. مدتی قبل مادر در منزل خود که خالی از وسایل معمول زندگی و حتی برق است، در محیطی کاملاً آلوده و مکانی عاری از هرگونه بهداشت اولیه، نوزاد خود را به دنیا آورد. پس از پیگیری و گزارش مددکاران جمعیت امام علی (ع)، مادر علی‌رغم مخالفتش به بیمارستان افضل‌پور کرمان منتقل و نوزاد و مادر هر دو بستری می‌شوند. به دنبال گزارش وضعیت خطرناک سلامتی کودکان و نوزاد تازه متولدشده و پیگیری مددکاران جمعیت امام علی (ع) و با هماهنگی حراست بیمارستان افضل‌پور جهت معرفی نوزاد به بهزیستی، تاکنون کودک ترخیص نشده‌است. مع‌الاسف با وجود تماس‌های مکرر با اورژانس اجتماعی کرمان، مسئول پاسخ‌گو با عنوان اینکه "سایر فرزندان فاقد اوراق هویت هستند." از هر گونه اقدام جهت تحویل و نگهداری نوزاد با شرایط خطرناک اجتناب کرده‌اند. با عنایت به اینکه مادر دچار اعتیاد شدید به مواد مخدر شیشه است و پدر حضور ندارد، وضعیت کودکان به گونه‌ای است که هر لحظه امکان ایراد آسیب شدید به آنها وجود دارد. هم‌چنین سوءتغذیه و وضعیت اسفناک بهداشتی کودکان (مخصوصاً کودکان یک‌و نیم ساله و چهار ساله) و زندگی در وضعیت بسیار ناگوار از نظر محل سکونت که بسیار نا امن و فاقد هرگونه امکانات اولیه زندگی است، بسیار مخاطره‌آمیز است.



۱۵. تبریز

امیر که در حال حاضر مطابق ماده ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر در حال ترک است، دارای سه فرزند به نام‌های شیرین ۲۰ ساله (متأهل، معتاد، باردار از ازدواج دوم و دارای یک کودک سه ساله از شوهر اول)، نسترن ۱۴ ساله و سعید ۱۳ ساله است. متأسفانه حسب بررسی‌های مددکاران و گزارش‌های اعضای فامیل، پدر نسترن، شیرین خواهر وی و همسرش صادق، از نسترن با سوءرفتار جهت خرید مواد برای هر سه نفر، بهره‌کشی می‌نمایند و بارها به همراهی مادر نسترن با کودک‌آزاری جسمی و روحی باعث ایراد صدمات جسمی و آسیب‌دیدگی‌های متعدد در نقاط مختلف بدن از جمله سر و صورت نسترن شده‌اند. علاوه بر آن به دلیل معتاد بودن هر سه آنها، خانه تبدیل به پاتوق شده و افراد مختلف رفت و آمد می‌کردند که با دستگیر شدن پدر این اقدام‌ها در منزل شیرین از همسر دومش ادامه پیدا کرده‌است. در آخرین اقدام در روز سه شنبه به دلیل دیر آمدن از خرید مواد، دعوی دیگری رخ داده که منجر به خون‌ریزی شدید سر شده و نسترن به مدت ۴۸ ساعت از منزل فرار کرده و نهایتاً پنجشنبه شب به منزل بازگشته‌است. نسترن چه در منزل پدر و چه خواهر و همسر او صادق، در شرایط مخاطره‌آمیز قرار دارد و احتمال درگیر شدن نسترن به اعتیاد به مواد مخدر شیشه و یا سوءاستفاده‌های جنسی در جریان خرید مواد از افراد فروشنده یا در منزل وجود دارد. لازم به ذکر است که سعید برادر ۱۳ ساله نسترن و حسن فرزند ۳ ساله خواهر نسترن از همسر اولش (که از سوی پدر ترک شده) نیز در شرایط مشابهی قرار دارند و اتخاذ اقدامات مناسب در خصوص فرستادن آنها به مکان مناسب جهت نگهداری، ضروری است.

۱۶. اصفهان

مادر لیلا معتاد و از نوع تزریقی است و به دلیل اعتیاد مادر و حضور افراد معتاد دیگر در خانه، آن محل برای کودک ناامن است. طی صحبت با مادر بزرگ لیلا متوجه شدیم که پدر لیلا خانواده را ترک کرده و لیلا شناسنامه ندارد. لیلا چندین بار با پای برهنه در حال جمع‌آوری زباله دیده شده‌است. طی صحبت با خاله‌ی لیلا، متوجه شده‌ایم لیلا به مواد اعتیاد پیدا کرده و با دود حاصل از مصرف مواد توسط مادر و سایر افراد معتاد در خانه نیاز خود به مواد را برطرف می‌کند (به اصطلاح بخوری شده است) و نبود مادر یا مصرف نکردن مواد در حضور کودک، او را پریشان و غیرقابل کنترل می‌کند. با تماس و شکایت همسایگان و پیگیری‌های انجام‌شده، مشخص شد که چند بار اورژانس به دلیل مصرف مواد توسط مادر لیلا و مشکلات حاصل از آن به درب خانه مراجعه کرده و مادر لیلا را تحت درمان قرار داده‌اند. طی دو بار مراجعه به خانه حضور یک فرد غریبه و مشکوک جلب توجه کرد.



با توجه مشاهدات و شرایط، به مرکز اورژانس اجتماعی برای ثبت گزارش در مورد شرایط لیلا مراجعه شد و بعد از چند روز نامه‌ای از طرف مرکز برای حضور خانواده در اورژانس اجتماعی تحویل آنها داده شد ولی خانواده به دلیل ترس، از رفتن به مرکز امتناع نمودند و طی تماس مجدد با مرکز اورژانس اجتماعی، شرایط خانواده برای مددکار حاضر در مرکز شرح داده شد و قول مساعدت از طرف مددکار گرفته شد اما اقدام مؤثری مشاهده نگردید. بعد از مطلع شدن از اعتیاد لیلا برای چندمین بار با اورژانس اجتماعی تماس گرفته شد و شرایط به تفصیل توضیح داده شد اما مددکار اعلام کردند که آنها بدون حکم قضایی توانایی اقدام برای گرفتن کودک و تحویل آن به بهزیستی را ندارند و به دادن توصیه‌های ناکارآمد از قبیل حضور افراد مطلع در محل و تماس با مرکز بعد از رؤیت کودک در خیابان جهت حضور اورژانس اجتماعی در محل و بردن کودک از خیابان به بهزیستی اکتفا نمودند. طی آخرین تماس با اورژانس اجتماعی در روز ۱۳۹۹/۳/۸، مددکار مرکز اعلام کرد که به دلیل حجم بالای کار ناشی از شیوع کرونا نام کودک در لیست بررسی قرار می‌گیرد.

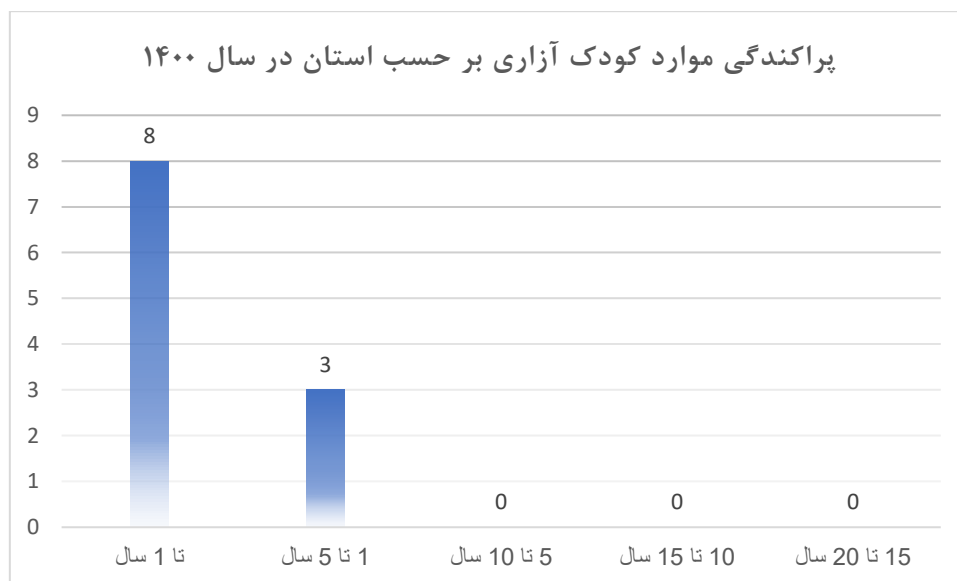


تحلیل فرم‌های ثبت شده

خلاصه گزارش موارد کودک آزاری احصاء شده در سال ۱۴۰۰

نتایج آماری:

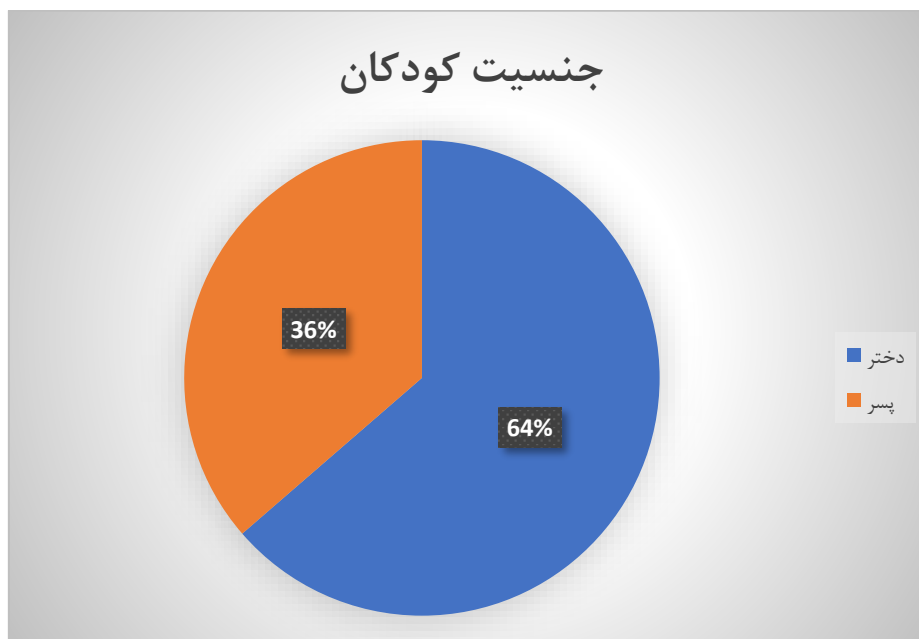
تهران	۶
البرز	۲
کردستان	۱
کرمان	۱
ایلام	۱
جمع کل	۱۱



توصیف آماری: در بررسی به عمل آمده از موارد کودک آزاری سال ۱۴۰۰ از مجموع ۱۱ نفر، متأسفانه استان تهران با ۵۴.۵ درصد بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است. استان البرز با ۱۸.۲ درصد و استان‌های کردستان، کرمان و ایلام هر کدام با ۹.۱ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.



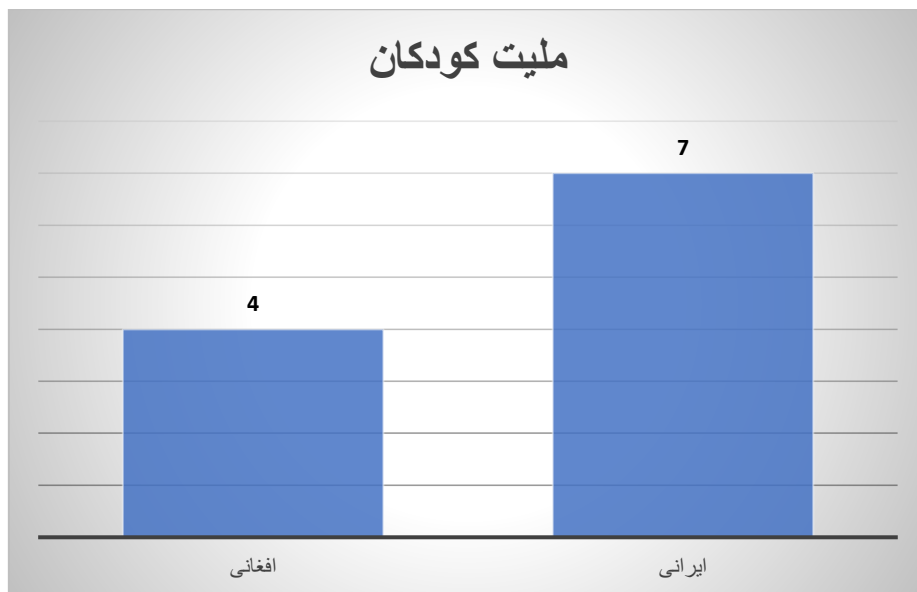
۲- بررسی جنسیت موارد کودک آزاری سال ۱۴۰۰	
۷	دختر
۴	پسر



توصیف آماری: بررسی جنسیت موارد احصاء شده در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد از مجموع ۱۱ نفر، ۶۴ درصد دختران و ۳۶ درصد پسران مورد کودک آزاری قرار گرفته‌اند.



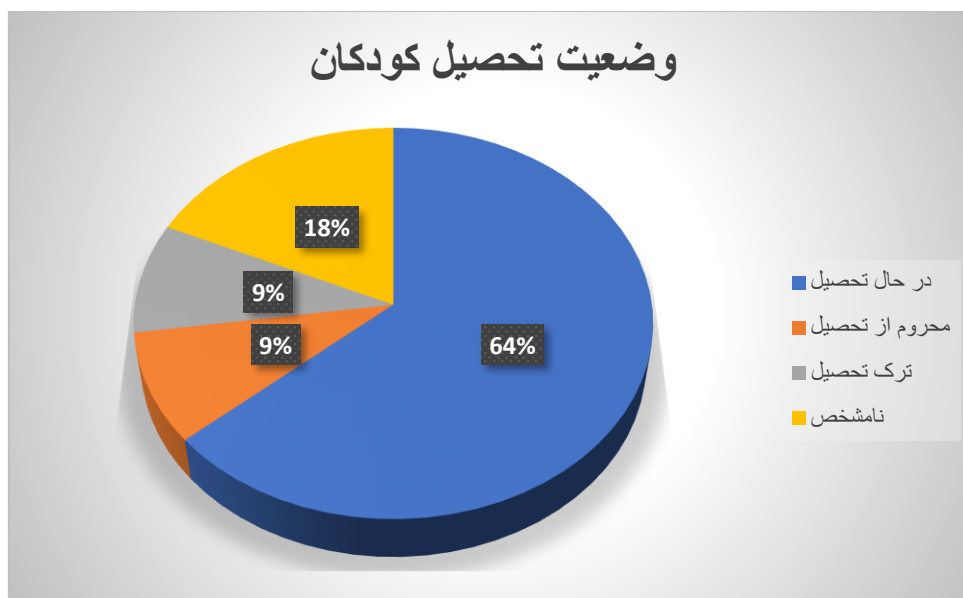
۳- ملیت کودکان مورد نظر در سال ۱۴۰۰	
۴	افغانستانی
۷	ایرانی



توصیف آماری: موارد کودک آزاری به دست آمده در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد از مجموع ۱۱ نفر، ۶۳.۶ درصد کودکان ایرانی و ۳۶.۴ درصد کودکان افغانستانی بوده‌اند.



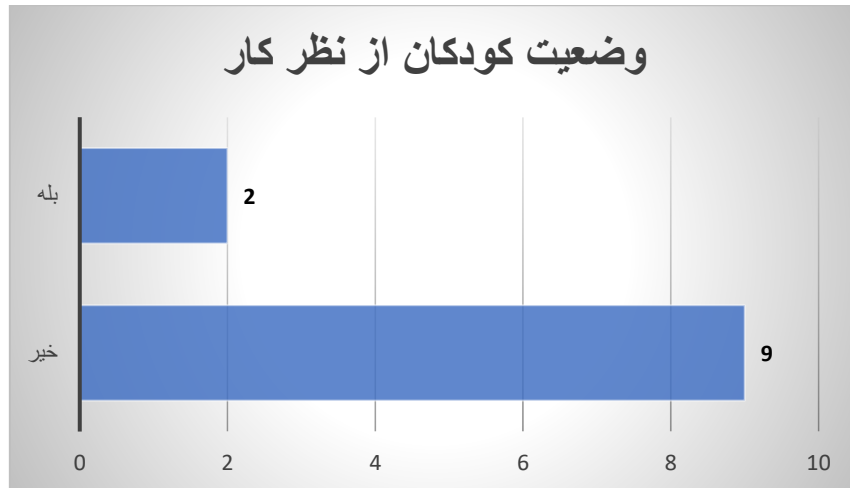
۴- وضعیت تحصیل کودکان	
۷	در حال تحصیل
۱	محروم از تحصیل
۱	ترک تحصیل
۲	نامشخص



توصیف آماری: ۶۴ درصد کودکان مورد نظر در حال تحصیل بوده، ۹ درصد محروم از تحصیل، ۹ درصد ترک تحصیل کرده‌اند و وضعیت ۱۸ درصد هم نامشخص است.



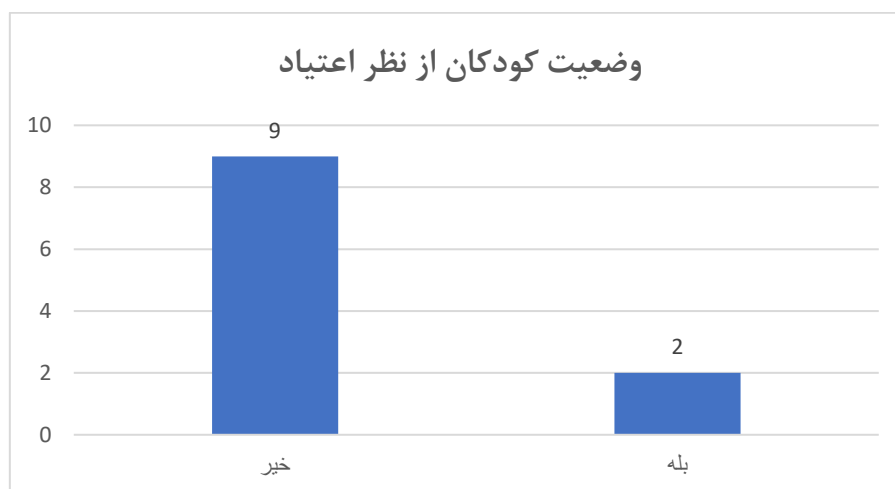
۵- وضعیت کودکان از نظر کار	
کودک کار هستند	۲
کودک کار نیستند	۹



توصیف آماری: ۱۸.۲ درصد کودکان، کودک کار هستند اما ۸۱.۸ درصد آنان کودک کار نیستند.



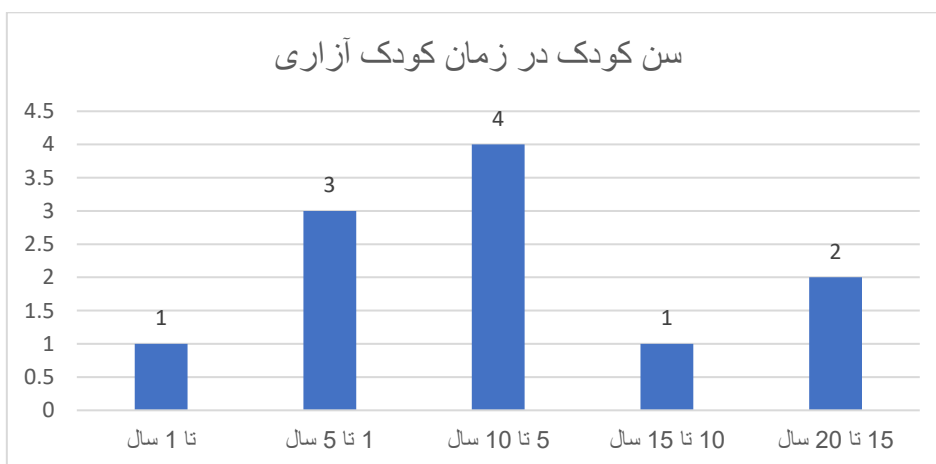
۶- بررسی وضعیت کودکان از نظر اعتیاد	
۲	اعتیاد دارند
۹	اعتیاد ندارند



توصیف آماری: ۸۱.۸ درصد کودکان، دچار اعتیاد و ۱۸.۲ درصد آنان سالم هستند.



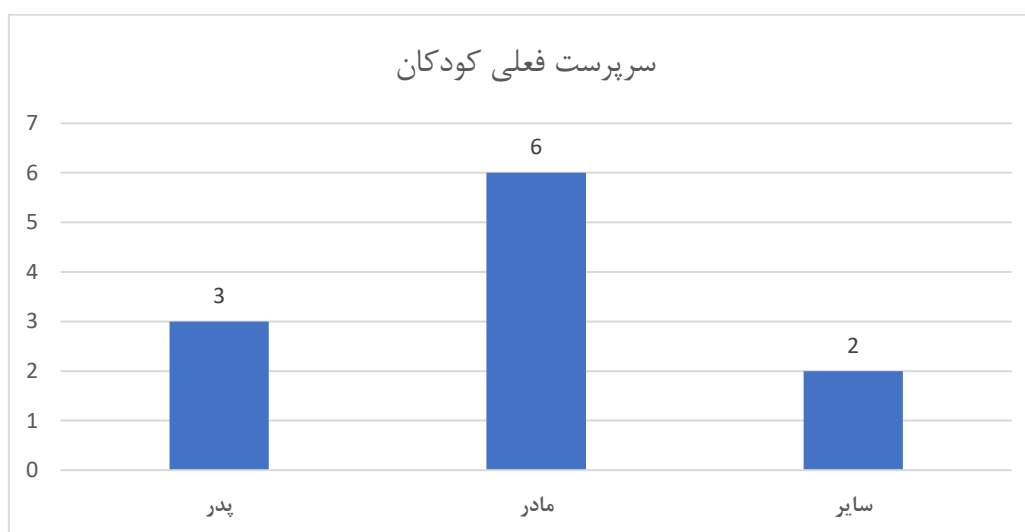
۷- سن کودکان در زمان کودک آزاری	
1	تا ۱ سال
3	۱ تا ۵ سال
4	۵ تا ۱۰ سال
1	۱۰ تا ۱۵ سال
2	۱۵ تا ۱۸ سال



توصیف آماری: از مجموع ۱۱ نفر مورد کودک آزاری سال ۱۴۰۰، ۹.۱ درصد زیر ۱ سال، ۲۷.۳ درصد ۱ تا ۵ سال، ۳۶.۴ درصد ۵ تا ۱۰ سال، ۹.۱ درصد ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱۸.۲ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال بودند.



۸- بررسی سرپرست فعلی کودکان	
۳	پدر
۶	مادر
۲	سایر



توصیف آماری: در بررسی به‌عمل آمده مشخص شد سرپرست کودکان در ۲۷.۳ درصد موارد پدران، در ۵۴.۵ درصد مادران و در ۱۸.۲ درصد سایرین بوده‌اند.



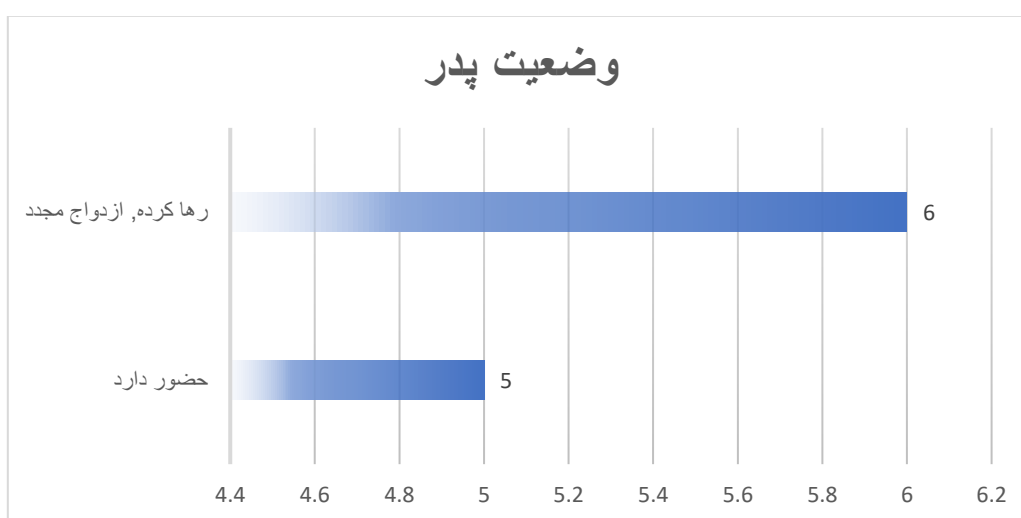
۹- بررسی وضعیت تأهل پدر و مادر	
متاهل	۶
مطلقه	۵



توصیف آماری: در بررسی به‌عمل آمده مشخص شد در ۵۵ درصد موارد والدین این کودکان متأهل بوده و در ۴۵ درصد طلاق صورت گرفته‌است.



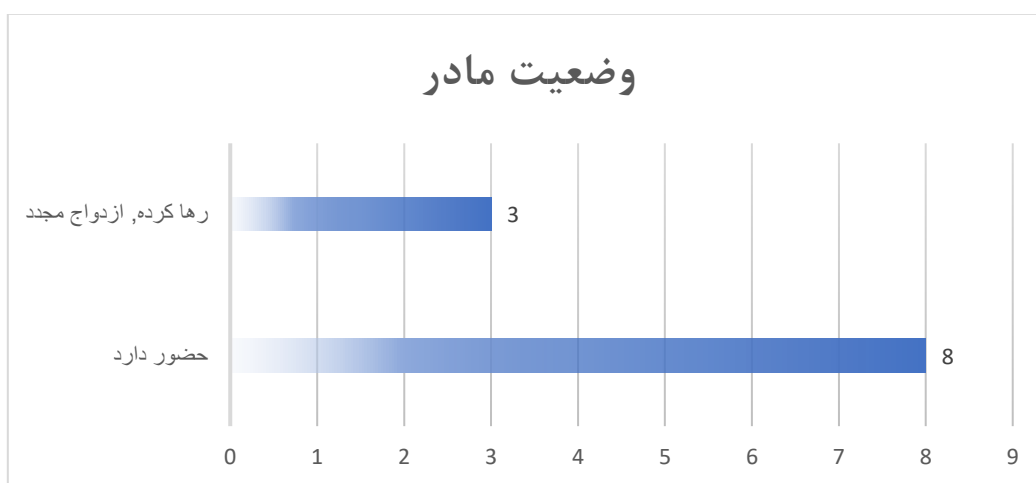
۱۰- بررسی وضعیت حضور پدر در خانواده	
حضور دارد	۵
رها کرده، ازدواج مجدد	۶



توصیف آماری: در ۵۴.۵ درصد موارد پدر، خانواده را رها کرده و در ۴۵.۵ درصد پدر در خانواده حضور دارد.



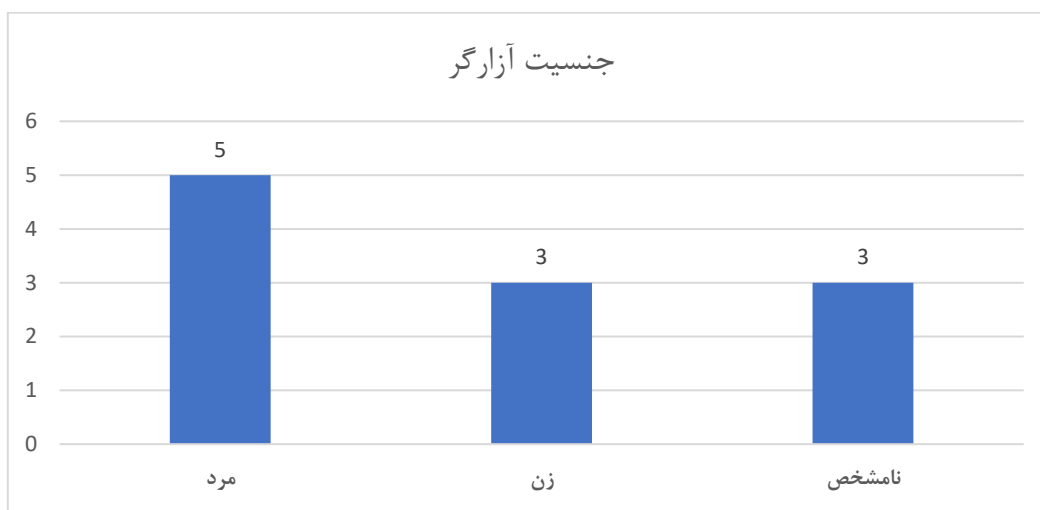
۱۱- بررسی وضعیت حضور مادر در خانواده	
حضور دارد	۸
رها کرده، ازدواج مجدد	۳



توصیف آماری: در ۲۷.۳ درصد موارد مادر، خانواده را رها کرده و در ۷۲.۷ درصد مادر در خانواده حضور دارد.

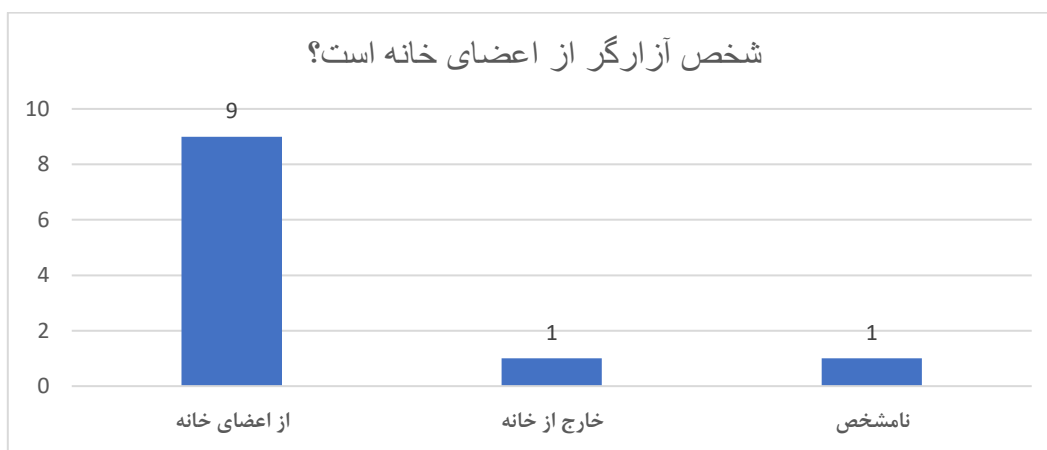


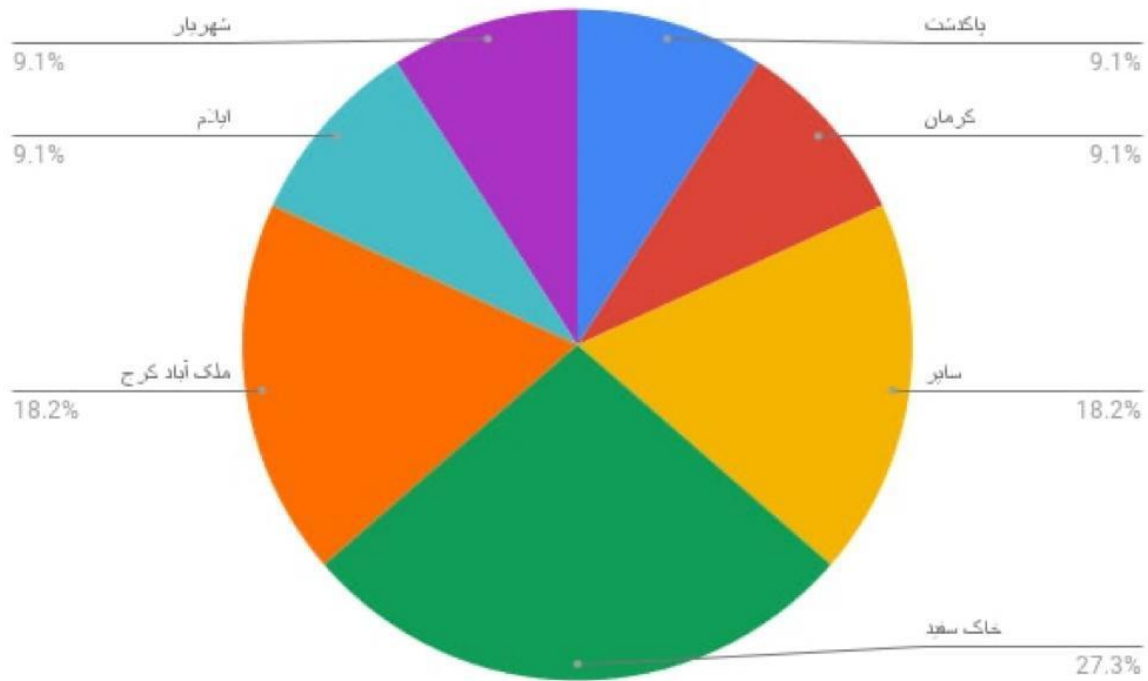
۱۲- جنسیت آزارگر	
مرد	۶
زن	۳
نامشخص	۳





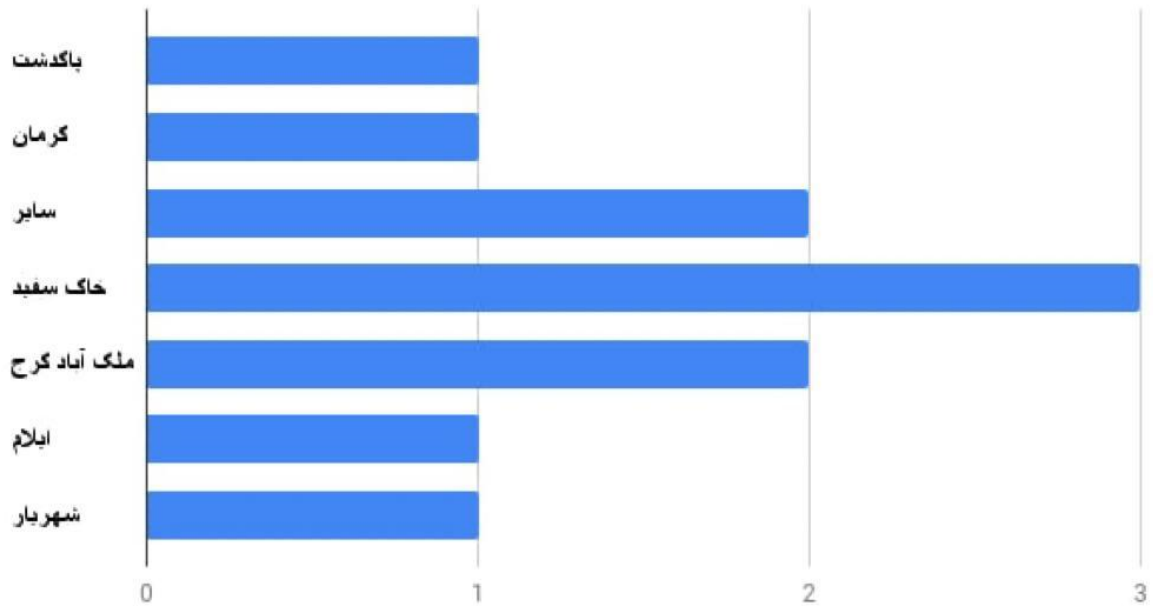
۱۳- شخص آزارگر از اعضای خانه است یا خارج از خانه؟	
از اعضای خانه	۹
خارج از خانه	۱
نامشخص	۱







نام مرکز تکمیل کننده





تماس با ما

آدرس پایگاه‌های اینترنتی رسمی

وبسایت رسمی جمعیت امام علی (ع): sosapoverty.org

آدرس فیس‌بوک جمعیت امام علی (ع): www.facebook.com/sosapoverty

کانال تلگرام جمعیت امام علی (ع): [@imamalisociety](https://t.me/imamalisociety)

اطلاعات تماس

برای ارتباط با نمایندگی و کسب اطلاعات بیشتر با روابط عمومی مرکزی جمعیت امام علی (ع) تماس بگیرید.
آدرس روابط عمومی مرکزی: تهران، خیابان سپهبد قرنی، جنب بیمارستان آپادانا، پلاک ۱۳۵، واحد ۴ شماره تماس:
۰۲۱ - ۸۸۸۳۴۵۶۷